

پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس مهارگری هیجانی-کلامی و خطاهای شناختی زوجین

برزو امیرپور^۱، مرضیه مشعل پور فرد^۲، زهره ساکی^۳

چکیده

هدف: هدف از اجرای پژوهش حاضر تعیین سهم و نقش پیش‌بینی‌کنندگی طلاق عاطفی بر اساس مهارگری هیجانی-کلامی و خطاهای شناختی در زوجین است.

مواد و روش‌ها: پژوهش از نظر هدف: کاربردی، از حیث ماهیت: مبتنی بر پارادایم کمی و از لحاظ گردآوری داده‌ها: توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری، شامل کلیه زوجین شهر اهواز در سال ۱۴۰۱ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۱۵۵ زوج واجد ملاک‌های ورود به مطالعه انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های مهارگری زناشویی امینی و همکاران، طلاق عاطفی پور حسین و بی‌دست و مقیاس باورها و تفکرات زوجین کامرانی و همکاران استفاده شد. با استفاده از نرم‌افزار آماری ۲۱-SSPS و آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیره، داده‌های پژوهش تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین مهارگری هیجانی-کلامی ($r=0/623$) و خطاهای شناختی زوجین ($r=0/557$) با طلاق عاطفی بود. نتایج ضریب تعیین نشان داد که نسبتی از واریانس طلاق عاطفی که توسط مهارگری هیجانی کلامی و خطاهای شناختی تبیین می‌شود تقریباً ۴۲ درصد است. علاوه بر این، نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل رگرسیون نشان داد که مهارگری هیجانی-کلامی ($\beta=0/268$) و خطاهای شناختی زوجین ($\beta=0/235$) پیش‌بینی‌کننده‌های مثبت و معنادار طلاق عاطفی هستند.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش حاضر نشان‌دهنده نقش مهارگری در شکل‌دهی به روابط ناسازگار بین زوجین و جایگاه سبک پردازش‌های شناختی مبتنی بر تحریف واقعیت، در تداوم تعارضات زناشویی و طلاق عاطفی بود. کاربست‌های درمانی کاهش مهارگری و خطاهای شناختی باهدف کاهش طلاق عاطفی می‌تواند موجب غنی‌سازی و سلامت روابط زوجین شود.

واژه‌های کلیدی: خطاهای شناختی، زوجین، طلاق عاطفی، مهارگری

۱. استادیار، دانشکده علوم تربیتی و روانش ناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران borzooamirpour@pnu.ac.ir
۲. نویسنده مسئول، استادیار، دانشکده علوم تربیتی و روانش ناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران Mashalpour.m@pnu.ac.ir
۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران saki.zohreh75@gmail.com

خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است و درعین حال مبدأ عواطف انسانی و آغاز صمیمانه‌ترین تعاملات بین فردی و گسترش سبک زندگی سالم در نظر گرفته می‌شود به گونه‌ای که سلامت و تعالی هر جامعه درگرو سلامت و رشد خانواده است. اعضای خانواده با ارائه الگوی روابط عاطفی به فرزندان، در گسترش تعاملات صمیمانه در جوامع گسترده‌تر همچون مدرسه نقش مؤثری دارند. از سویی یکی از مشکلات جوامع امروزی کاهش عناصر عاطفی به شکل مناسب در خانواده‌ها است [۱]، اگرچه تعارض در زندگی زناشویی طبیعی است، ولی تشدید اختلافات، می‌تواند تأثیر مخربی بر سلامت روانی اعضای خانواده داشته باشد. کودکان خانواده‌های درگیر تعارض و طلاق، در معرض خطر انواع مشکلات رفتاری و عاطفی هستند و علائمی همچون رفتار نافرمانی مقابله‌ای، خصومت، پرخاشگری و علائم افسردگی از خود نشان می‌دهند [۲] اما باوجود اختلافات میان خانواده‌ها، نگرانی در مورد عواملی چون وجود فرزندان، نیاز مادی، نگرش منفی به طلاق، نداشتن پشتوانه مادی و روانی، مخالفت خانواده‌ها، ترس از دست دادن موقعیت خانوادگی و اجتماعی، ترس از تنهایی، ترس از مخدوش شدن حیثیت اجتماعی، شخصیت و سواسی، نداشتن قدرت تصمیم‌گیری، ترس از آینده مبهم، ترس از طرد شدن توسط اطرافیان و یا حتی وابستگی به زندگی مشترک، باعث می‌شود زوجین بدون داشتن ارتباط عاطفی و جنسی به زندگی زناشویی خود ادامه دهند و طلاق عاطفی را تجربه کنند ولی حرفی از طلاق به میان نیاورند [۳].

طلاق عاطفی^۱ اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی روبه‌زوالی است که در آن روابط زوجین دچار اختلال شده، سرمایه عاطفی آن‌ها به حالت انفعال درآمده و احساس بیگانگی جایگزین آن شده است [۴]، در این

شرایط زن و شوهر اگرچه ممکن است باهم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آن‌ها نسبت به یکدیگر از بین رفته است ولی علی‌رغم کاهش علاقه و صمیمیت حاضر نیستند از یکدیگر جدا شوند [۵] در این شرایط، زوجین به جای حمایت از یکدیگر در جهت آزار، ناکامی و تنزل عزت‌نفس یکدیگر عمل می‌کنند و هر یک دنبال یافتن دلیل برای اثبات عیب و کوتاهی و طرد یکدیگر هستند. طلاق عاطفی به‌عنوان انتخابی نفرت‌انگیز بین تسلیم و نفرت از خود و تسلط بر خود تجربه می‌شود و زن و شوهر، به دلیل احساس غمگینی و ناامیدی دیگری را آزار می‌دهد [۶].

طلاق عاطفی در کشورهایی که در مسیر تحول فناوری و ارتباطات هستند به‌سرعت در حال رشد است و این به‌خصوص در فرهنگ زناشویی جدید غربی که طرفدار برابری زنان و مردان است برای مردم جهان سوم که دارای هنجارهای فرهنگی مردسالارانه و سنتی هستند، بیشتر دیده می‌شود [۲]. اگرچه آمارها بیانگر افزایش طلاق است (سازمان ثبت‌احوال)، اما داده‌ها نشان‌دهنده میزان دقیق نارضایتی در روابط زناشویی نیست؛ زیرا علاوه بر طلاق قانونی، طلاق عاطفی که نوعی ناپهنجاری در نظام خانواده است نیز وجود دارد [۷] که به جدایی زوجین منجر نمی‌شود، اما زندگی آن‌ها به ازدواجی که فاقد عشق، مصاحبت و هم‌نشینی است، تبدیل می‌شود [۸]. طلاق عاطفی زمانی رخ می‌دهد که اختلافات بین زوجین شدت گرفته، توانایی یا میل به حل این اختلافات را ندارند و به یکدیگر بی‌اعتنا شده‌اند [۹]. محققان معتقدند آثار منفی طلاق عاطفی از طلاق بیشتر است و سبب گریزان شدن فرزندان از محیط خانواده، کاهش همبستگی و تعامل در خانواده، افزایش فردگرایی و انجام دادن امور بر اساس منفعت شخصی می‌شود و درنهایت به افزایش آسیب‌ها و تعارضات خانوادگی منجر می‌شود [۱۰].

یکی از موارد تأثیرگذار بر رابطه خانواده‌ها، مهارگری

1. Emotional Divorce

پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس مهارگری هیجانی-کلامی ...

هیجانی-کلامی در روابط زناشویی است. مهارگری^۱، صفتی است که در آن فرد گرایش به مهار کردن رفتار دیگران دارد [۱۱]. واژه مهارگری نخستین بار در سال ۱۹۷۴ استفاده شد. این واژه با سلطه‌جویی هم‌معنی است [۱۲]. مهار روی افراد دیگر بدون حودمرز است. افراد با هر سن، جنسیت، جهت‌گیری جنسی و یا وضعیت اجتماعی-اقتصادی می‌توانند نقش مهار شوند و یا نقش مهارگر را ایفا کنند. مهارگری معمولاً در روابط زوجین دیده می‌شود [۱۳] و نوع بخصوصی از شکنجه است؛ چراکه در یک ارتباط دارای تعهد، امید و رؤیاهای شخصی قوی روی می‌دهد و در خلال دوره‌های زمانی ادامه می‌یابد [۱۴]. مهارگری، خود پیروی و سلامتی قربانی را در طولانی مدت کاهش می‌دهد. قربانی میان یک اعمال مستقیم مهار و خشونت احتمالی در ترس و هراس زندگی می‌کند. فرد مهار شونده مدام حتی در زمان‌هایی که شرایط آرام به نظر می‌رسد، دچار پریشانی و نگرانی بوده مستعد ابتلا به آسیب‌های روانی، اجتماعی، فردی، گروهی و خانوادگی خواهد شد؛ چراکه فرد مهارگر با اعمال تحقیر، خشونت، مهار و کنترل موجب سلب اعتماد در زوجین شده و روابط عاطفی بیشتر بر اساس گروگان‌گیری بنا می‌شود [۱۵].

از آنجایی که مهارگری زناشویی^۲ موجب کاهش صمیمیت و روابط زوجین می‌شود، یکی از دلایل خشونت میان زوجین شناخته شده است [۹]. اگرچه مهارگری تقریباً بیشتر شامل مردان می‌شود اما گاهی زنان مهارگر و مردان قربانی هستند. در مهارگری فرد از تاکتیک‌های گوناگون مانند تهدید کردن، خوار و خفیف کردن و منزوی کردن، مهارگری جنسی و فیزیکی علیه همسران، هل دادن، فشار دادن قربانی با دست و دیگر شکل‌های اعمال زور، برای صدمه زدن به قربانی استفاده می‌کند [۱۵].

از سویی دیگر خطاهای شناختی نیز با طلاق عاطفی در زوجین مرتبط است به گونه‌ای که با آموزش و به دنبال آن کاهش خطاهای شناختی، نمره افراد در آزمون طلاق عاطفی کاهش می‌یابد [۱۶]؛ چراکه از یک سو خطاهای شناختی، در فرایند پردازش اطلاعات مداخله می‌کند و مانع از دستیابی فرد به اطلاعات ناب می‌شود و از سوی دیگر با بروز و پیشرفت اختلالات اضطرابی و سایر اختلالات روان‌شناختی در افراد، بر کیفیت زندگی و روابط زوجین تأثیر می‌گذارند [۱۷]. خطاهای شناختی در افراد مبتلا به اختلال وسواس فکری-عملی، با بیش برآورد کردن خطر و مسئولیت‌پذیری زیاد، شدت اختلال وسواسی اجباری را بیشتر می‌کند و در افراد مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی، این خطاها کم‌برآورد کردن صلاحیت خویش و بیش برآورد کردن علائم و فاجعه‌بار کردن را در برمی‌گیرد [۱۸] و نیز افکار مسئولیت‌پذیری زیاد، علائم اضطراب را در افراد شدت می‌بخشد [۱۹]. افزون بر این، بین علائم اضطراب و افکار خودآیند منفی، به‌ویژه در بیماران مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی، هم‌بستگی مثبت وجود دارد [۲۰].

بر اساس دیدگاه الیس^۳ احساسات بر افکار و رفتار و رفتار بر افکار و احساسات تأثیر می‌گذارد، بنابراین برای تغییر دادن یکی از این سه عامل باید دست‌کم یکی از دو عامل دیگر را تغییر داد [۲۱]. به این ترتیب الیس در ارتباط با مشکلات عاطفی اصل A-B-C را بنیان نهاد که بر اهمیت کنترل شناختی بر حالات عاطفی تأکید می‌کند. این اصل با این نظر پدیدار شناختی همسو است که ادراک فرد از یک رویداد، چگونگی پاسخ رفتاری او را تعیین می‌کند [۲۰]. خطاهای شناختی از دیدگاه آلیس عبارت‌اند از: ۱- انتظار نائید از دیگران ۲- زیاده از خود انتظار داشتن ۳- اعتقاد فرد به اینکه گروهی از مردم با شرور و بدذات هستند و باید

1 inhibition
 2 marital inhibition

به شدت تنبیه و ملامت شوند - ۴ سرزنش کردن - ۵ واکنش به ناکامی. - ۶ نگرانی زیاد توأم با اضطراب (توجه مضطربانه) - ۷ بی‌مسئولیتی عاطفی (کنترل هیجانی) - ۸ وابستگی - ۹ اجتناب از رویارویی با مسائل. - ۱۰ درماندگی نسبت به تغییر. - ۱۱ کمال طلبی (۱۹). به کارگیری خطاهای شناختی به اضطراب و ناراحتی روانی منجر می‌شود [۲۲]. پژوهش‌ها نشان می‌دهد، افراد مبتلا به مشکلات هیجانی و عاطفی به استفاده از خطاهای شناختی تمایل دارند، به این ترتیب آن‌ها واقعیت عینی را تحریف می‌کنند و از پردازش و در ماهیت واقعی رویدادها ناتوان می‌شوند به دنبال تحریف‌های شناختی دچار عواطف منفی و در نتیجه تفکر آزردهنده می‌شوند، انگاره‌های تفکر منفی موجب افسردگی و نگرانی بیشتر فرد نسبت به زمانی می‌شود که مثبت‌تر و واقع‌بینانه‌تر می‌اندیشد [۲۱]. به اعتقاد ایس مشکلات در روابط زوجین بیشتر از آنکه با شکست‌های سخت زندگی مرتبط باشد از خطاهای شناختی و باورهای اشتباهی که افراد در مورد این شکست‌ها دارند ریشه می‌گیرد... وقتی که فرد به تفکرات غیرمنطقی و خطاهای شناختی توسل جوید، در نگرش و برداشت خویش شدیداً بر اجبار، الزام و وظیفه تأکید دارد و خود را بی‌نهایت به وقوع امر خاصی پایبند می‌کند، بنابراین، اگر فرد خود را از این افکار رها سازد، به احتمال قوی در جهت سلامت نقش و رشد شخصیت حرکت خواهد کرد [۲۳].

بک معتقد است ریشه اصلی اختلافات در روابط زناشویی و بین فردی در سوءتفاهم است. تفاوت افراد در نحوه نگرش آن‌ها پیرامون مسائل مختلف منجر به بروز اختلافات و پیامدهای ناشی از آن می‌شود، چراکه هرکدام از طرفین مسائل را از نگاه خود می‌بینند. افراد مبتلا به مشکلات هیجانی گرایش دارند که مرتکب خطاهای منطقی و تفکران منفی می‌شوند؛ و واقعیت عینی را تحریف می‌کنند این فرایند منجر به بروز هیجانات منفی در فرد می‌شوند، لذا هر احساس ناخوشایند

خشونت کلامی، مهارگری انزوا و مهارگری پنهان‌کاری) با سازگاری زناشویی رابطه معکوس وجود دارد [۲۰]. هم‌چنین مواردی همچون بی‌توجهی مردان به زنان، بی‌مسئولیتی، خشونت، مشکلات ارتباطی و جنسی، حضور نداشتن مؤثر در منزل و نداشتن برنامه مناسب اوقات فراغت، موجب بروز طلاق عاطفی می‌شود و عواملی چون شرایط خانوادگی و دخالت‌های خانواده‌ها و پایگاه اقتصادی- اجتماعی فرد، شغل، درآمد، مدت‌زمان ازدواج و سن زوجین موقع ازدواج، باعث تشدید عوامل علی مؤثر بر طلاق عاطفی می‌شود [۳۰]. استفاده از رسانه، غیرمستقیم و از طریق ایجاد نگرش‌های ناکارآمد بر طلاق عاطفی و گرایش به خیانت زناشویی تأثیرگذار است. هم‌چنین مصرف رسانه، به‌طور مستقیم نگرش ناکارآمد را پیش‌بینی می‌کند و نگرش ناکارآمد، مستقیماً بر طلاق عاطفی تأثیرگذار است [۳۱] از سویی دیگر استفاده علمی از فضای مجازی، مهارت خانوادگی و کسب‌وکار با تعارضات زناشویی رابطه منفی وجود دارد [۳۲]. اعتیاد به شبکه‌های مجازی هم به‌طور مستقیم و همه‌باواسطه تأثیر بر روی متغیرهای صمیمیت، از خودبیگانگی، دین‌داری، سلامت روانی و پایبندی نسبت به سنت‌ها و ارزش‌ها بر متغیر طلاق عاطفی تأثیرگذار است از این میان، بیشترین تأثیر اعتیاد به شبکه‌های مجازی از طریق اثرگذاری بر روی صمیمیت زوجین روی می‌دهد که در نهایت منجر به طلاق عاطفی در زوجین می‌شود [۳۳].

بررسی ارتباط ویژگی‌های شخصیتی، بلوغ عاطفی و باورهای فراشناختی با گرایش به طلاق عاطفی زوجین نشان داده است که مقبولیت و وظیفه‌شناسی به‌طور منفی و معنادار و روان رنجور خوبی و بلوغ عاطفی به‌طور مثبت و معناداری، گرایش به طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند [۳۴]. به این ترتیب با عنایت به نقش ویژگی‌های شخصیتی، بلوغ عاطفی و باورهای فراشناختی در طلاق عاطفی، می‌توان

پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس مهارگری هیجانی-کلامی ...

نتیجه تفکر منفی است و انگاره‌های تفکر منفی موجب افسردگی و نگرانی فرد می‌شوند [۲۱]. خطاهای شناختی سبب ایجاد تصویر مخدوش از همسر در نظر دیگری می‌شود. روش مقابله با این افکار، توجه کردن، گوش دادن، پرسیدن و مبادله اطلاعات صحیح است [۱۶]. اختلافات زوجین دلایل گوناگونی دارد و گاهی همسران در یک ارتباط ناکارآمد قرار گرفته‌اند و یادگیری مهارت‌ها در جهت ابراز عواطف و یا حل مسئله مدار مشکلات با تکیه بر رفع خطاهای شناختی، مؤثر است ولی در برخی موارد نیز همسران از ارضای نیازهای خود ناامید هستند [۲۴]. آموزش مواردی چون رابطه صحیح کلامی و مهارت‌های لازم برای سخن گفتن و بیان خواسته‌ها از همسر می‌تواند اختلافات را کمتر کند [۲۵].

پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که همه‌گیری طلاق به‌عنوان یک متغیر اجتماعی، بر طلاق عاطفی تأثیر مثبت دارد. همچنین، روزمرگی زندگی و کوشش برای داشتن حقوق مساوی، به‌ترتیب دارای اثر مثبت و منفی بر طلاق عاطفی بودند [۲۶]. همچنین درمان خطاهای شناختی و حل‌وفصل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در کاهش طلاق عاطفی و بهبود تعارضات زناشویی در زنان متأهل مؤثر است [۲۷] و تحریف‌های شناختی ناشی از باورهای غیرمنطقی، پیش‌بینی کننده بی‌ثباتی ازدواج یا احتمال طلاق هستند [۲۸]؛ به‌گونه‌ای که با آموزش زوج‌درمانی و کاهش باورهای شناختی غیرمنطقی، تقاضای طلاق در زوجین کاهش می‌یابد (۲۹). نتایج پژوهش‌ها نشان داده است، باورهای شناختی مرتبط با روابط بین فردی و مهارگری زناشویی با سازگاری زناشویی همبسته هستند و بین باورهای ارتباطی (باور به مخرب بودن مخالفت، باور به ذهن‌خوانی، باور به تغییرناپذیری همسر، باور به کمال‌گرایی جنسی و باور به تفاوت‌های جنسی) و مهارگری زناشویی (مهارگری هیجانی، مهارگری بی‌توجهی، مهارگری

راه‌های مقابله مؤثر با پدیده طلاق عاطفی را شناسایی و در مداخلات روان‌شناختی و مشاوره‌ای برای زوجین به کار گرفت. رابطه منفی بین نمره فرد در مهارت‌های زندگی و طلاق عاطفی نشان داده است که هر قدر نمره افراد در مهارت‌های زندگی شامل: حل مسئله، ارتباط مؤثر و همدلی، افزایش یابد، نمره آن‌ها در طلاق عاطفی به‌طور معناداری کاهش یافته است [۷]. بین زنان خانه‌دار و شاغل از نظر طلاق عاطفی تفاوتی مشاهده نشده است. میانگین طلاق عاطفی در بین زنان شاغل و خانه‌دار با یکدیگر تفاوت معناداری نداشته است و بین طلاق عاطفی و سطح درآمد نیز رابطه معناداری مشاهده نشد [۳۵]. بر هم خوردن تعادل ساختار خانواده و تغییر در کارکردهای قوام‌بخش آن، زمینه‌ساز طلاق عاطفی است و نیز متغیرهای نظم درون خانواده، ساختار قدرت خانواده و سرمایه اجتماعی درون خانواده، بیشترین رابطه معنادار را با میزان طلاق عاطفی دارند. هرگاه تعادل ساختار خانواده تحت تأثیر شرایط درونی و بیرونی بر هم بخورد، کارکردهای قوام‌دهنده تأثیرگذار آن مانند سرمایه اجتماعی درون خانواده، نظم درون خانواده، ساختار قدرت و غیره با چالش مواجه می‌شود که می‌تواند زمینه‌ساز طلاق عاطفی باشد [۳۶]. از جمله دلایل طلاق عاطفی وجود اختلاف سنی زیاد بین زوج‌ها است به گونه‌ای که زوج‌هایی با اختلاف سنی بیش از ۱۰ سال، طلاق عاطفی بیشتری داشته‌اند [۳۷]. همچنین طلاق عاطفی می‌تواند از طریق مؤلفه‌هایی چون خودکارآمدی و انتظارات بالای زناشویی پیش‌بینی شود [۳۸].

بر اساس آنچه بیان شد، هدف از اجرای پژوهش حاضر، پاسخ به این سؤال است که آیا مهارگری هیجانی-کلامی و خطاهای شناختی می‌توانند طلاق عاطفی در زوجین شهر اهواز را به‌طور معنی‌داری پیش‌بینی کنند؟

ابزار و روش‌ها

طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی، از منظر ماهیت تحقیق، توصیفی-تحلیلی و از منظر هدف، بنیادین است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زوجین شهر اهواز بود که ملاک‌های ورود به پژوهش یعنی دست‌کم گذشت سه سال از ازدواج، در قید حیات بودن همسر، تمایل به شرکت در پژوهش را داشتند. حجم نمونه این پژوهش ۱۵۵ زوج از زوجین متأهل شهر اهواز بودند. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، استفاده شد. در پژوهش حاضر برای گردآوری اطلاعات از ابزارهای ذیل استفاده شد:

پرسشنامه طلاق عاطفی: این پرسشنامه توسط پورحسین و بی‌دست در سال ۱۳۹۳ طراحی و اعتباریابی شده است [۳۹]. ابزار دارای ۳۲ گزاره است که به صورت طیف لیکرت از بیشترین توافق (پنج) تا کمترین توافق (یک) نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمرات بین ۳۲ تا ۱۶۰ است و نمرات بیشتر نشانگر طلاق عاطفی ادراک‌شده در فرد تلقی می‌شود. میزان اعتبار صوری این پرسشنامه در پژوهش سازندگان مقیاس بر اساس میانگین درصد توافق صاحب‌نظران مجرب حوزه روانشناسی معادل ۷۰/۱۴ درصد و همسانی درونی آن با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ گزارش شده است. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه ۰/۷۴۹ محاسبه شد.

مقیاس باورها و تفکرات زوجین (CBTS):^۱ این ابزار بر اساس بر باور و تفکر زوجی با ۴۴ عبارت و ۸ مؤلفه (بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی، استنباط دلخواه، تعمیم بیش‌ازحد، ذهن‌خوانی، تفکر دوجبه‌ی، شخصی‌سازی، برچسب‌گذاری و انتزاع‌های انتخابی) در سال ۱۳۹۸ توسط کامرانی و همکاران [۴۰] تهیه و اعتباریابی شده است. نمره‌گذاری این مقیاس بر اساس یک طیف لیکرت ۹ درجه‌ای از اصلاً امکان ندارد (۱) تا خیلی امکان دارد (۹) نمره‌گذاری می‌شود به نحوی که نمرات

1. couples' beliefs and thoughts

در دامنه‌ای بین ۴۴ تا ۳۹۶ جای می‌گیرند. همسانی درونی مقیاس باورها و تفکرات زوجین توسط سازندگان آن بالا یعنی ۰/۹۳ گزارش شده است. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه ۰/۹۳۶ محاسبه شد.

پرسشنامه مهارگری زناشویی: این پرسشنامه توسط امینی، کیمیایی و اصغری ابراهیم‌آباد [۴۱] در سال ۱۳۹۷ به منظور شناسایی روش‌های مهارگری در روابط زناشویی طراحی و معرفی شد. نسخه نهایی آن شامل ۲۱ عبارت و ۵ شیوه مهارگری (مهارگری هیجانی، مهارگری از طریق بی‌توجهی، مهارگری از طریق خشونت کلامی، مهارگری از طریق انزوا و مهارگری از طریق پنهان‌کاری) که عامل‌های آن محسوب می‌شوند، برای استفاده پژوهشگران ساخته شد. نمره‌گذاری این سنجه به این نحو است که هر عبارت در یک طیف شش‌درجه‌ای از کاملاً موافقم (۶)، موافقم تا کاملاً مخالفم (۱) نمره‌گذاری می‌شود. در این پژوهش از دو عامل مهارگری هیجانی با ۴ عبارت و مهارگری کلامی ۶ عبارت از مجموع ۲۱ سؤال مقیاس استفاده شد. در بررسی روایی و اعتبار این پرسشنامه در گزارش طراحان آن روایی همگرایی این سنجه با خرده سنجه سلطه-اطاعت شازنده عاملی کتل تأیید و پایایی آن ۰/۸۴۹ تعیین شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابتدا به صورت توصیفی بود که شامل درصد، فراوانی، میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه، ضریب همبستگی و در بخش دوم آمار استنباطی از جمله تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) و با توجه به فرضیات پژوهش آزمون آماری موردنیاز به کار گرفته شد. داده‌ها با سطح اطمینان ۰/۹۵ در نرم‌افزار SPSS-21 ثبت و پردازش شد. همچنین ملاحظات اخلاقی در نظر گرفته شد، لذا شرکت زوجین در این طرح به صورت داوطلبانه بوده و دقت لازم در زمینه محرمانه بودن اطلاعات پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط افراد اعمال شد به این منظور اطلاعات مربوط به این افراد بدون نام و تنها با کد شناساننده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس مهارگری هیجانی-کلامی ...

یافته‌ها

بر اساس یافته‌های جمعیت شناختی پژوهش، از نظر جنسیت ۱۵۵ نفر (۵۰ درصد) از افراد نمونه زن و جنسیت ۱۵۵ نفر (۵۰ درصد) از افراد نمونه مرد بودند. از نظر میزان تحصیلات، بیشترین فراوانی میزان تحصیلات مربوط به مدرک کارشناسی ۱۵۸ نفر (۵۱ درصد) و کمترین فراوانی میزان تحصیلات مربوط به مدرک زیر دیپلم ۲۴ نفر (۷/۷ درصد) بود. مشخصات توصیفی سن شرکت‌کنندگان نشان داد که میانگین سن افراد ۳۴/۹۷ و انحراف معیار آن ۹/۳۶۲ به طوری که کمینه سن ۲۰ و بیشینه آن ۵۶ و از لحاظ وضعیت مدت ازدواج افراد نمونه میانگین مدت ازدواج افراد نمونه ۱۷/۷۶ و انحراف معیار آن ۱۴/۵۴۹ بود به نحوی که کمینه مدت ازدواج ۳ و بیشینه آن ۳۹ به دست آمد. همچنین ارزیابی توصیفی متغیر مهارگری هیجانی-کلامی نشان داد، میانگین مهارگری از طریق خشونت کلامی و مهارگری هیجانی به ترتیب برابر ۱۴/۷۰۹ و ۲۲/۲۱۲ است. همچنین انحراف معیار این متغیرها به ترتیب برابر ۳/۱۱۴ و ۶/۲۵۸ است. این نتایج حاکی از سطوح بالاتر از میانگین این دو نوع از مهارگری در مشارکت‌کنندگان بود. در ارزیابی توصیفی متغیر خطاهای شناختی مشاهده شد

که میانگین بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی، استنباط دلخواه، تعمیم بیش از حد، ذهن‌خوانی، تفکر دووجهی، شخصی‌سازی، برچسب‌گذاری و انتزاع‌های انتخابی و نمره کل خطاهای شناختی به ترتیب برابر ۴۳/۷۲، ۴۹/۸۲، ۳۱/۸۰، ۲۰/۳۸، ۲۸/۳۵، ۴۱/۳۷، ۴۱/۱۸، ۴۲/۴۰ و ۲۷۶/۴۰ بود. همچنین انحراف معیار این متغیرها به ترتیب برابر ۱۰/۰۸، ۱۱/۲۶، ۳۱/۷۶ و ۹/۱۶، ۱۰/۳۳، ۱۱/۰۱، ۶/۳۸، ۵/۳۴، ۷/۶۰ است. نمرات بالای شرکت‌کنندگان در این متغیر و ابعاد آن نشان از شدت خطاهای شناختی در سیستم پردازش تفکر زوجینی دارد که طلاق عاطفی بر فضای تعاملی آنان حاکم است. در ارزیابی توصیفی متغیر طلاق عاطفی مشاهده شد که میانگین طلاق عاطفی در نمونه آماری برابر ۷۶/۲۵ و همچنین انحراف معیار این متغیر برابر ۱۶/۲۷ است. این آمار نشان از حد بالای طلاق عاطفی در نمونه را دارد. نتایج آزمون نرمال بودن داده‌ها نشان داد که ضرایب چولگی و کشیدگی تمامی متغیرها در بازه امن و قابل قبول (+۲ و -۲) است. لذا این گونه استنباط می‌شود که توزیع داده‌های همه متغیرها از توزیع آماری نرمال پیروی می‌کند. پس می‌توان اظهار داشت می‌شود از آزمون‌های پارامتری در تحلیل داده‌ها استفاده کرد.

جدول ۱. ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون بین مهارگری هیجانی-کلامی و خطاهای شناختی با طلاق عاطفی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
مهارگری هیجانی-کلامی	۰/۶۲۳	۰/۰۰۱
خطاهای شناختی	۰/۵۵۷	۰/۰۰۱

دارد ($P < ۰/۰۰۱$). جهت تعیین سهم متغیرهای پیش‌بین در تبیین طلاق عاطفی از تحلیل رگرسیون خطی و شیوه گام‌به‌گام (Stepwise Method)، استفاده شد. مفروضه اجرای این آزمون در استقلال باقیمانده‌ها در آماره دوربین واتسون (Durbin-Watson)، برابر

همان‌طور که در جدول شماره ۱. مشاهده می‌شود با احتمال ۹۵ درصد اطمینان، بین متغیرهای مهارگری هیجانی-کلامی و طلاق عاطفی همبستگی مثبت و معناداری (۰/۶۲۳) وجود دارد، همچنین بین متغیرهای خطاهای شناختی و طلاق عاطفی همبستگی مثبت و معناداری (۰/۵۵۷) وجود

واریانس (Variance Inflation Factor: VIF)، استفاده شد. نتایج حاصل از دو شاخص که به ترتیب کمتر از ۰/۱ و بیشتر از ۱۰ نبود، نشانگر مستقل بودن متغیرهای پژوهش است.

با ۲/۶۸۱ بود. قرار گرفتن این شاخص در محدوده بین ۱ تا ۴ به معنای مستقل بودن باقیمانده‌ها و برقرار بودن این پیش فرض است. علاوه براین، جهت بررسی مفروضه اساسی هم خطی بودن از شاخص‌های ضریب تحمل (Tolerance) و عامل تورم

جدول ۲. خلاصه رگرسیون متغیرهای پیش‌بین (متغیرهای مهارگری هیجانی کلامی و خطاهای شناختی) بر متغیر ملاک (طلاق عاطفی)

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار برآورد
۱	۰/۵۸۵	۰/۴۲۳	۰/۴۰۹	۴/۱۷۶

تعدیل شده ۰/۴۰۹ است؛ بنابراین، نسبتی از واریانس طلاق عاطفی که توسط مهارگری هیجانی کلامی و خطاهای شناختی تبیین می‌شود تقریباً ۴۲ درصد است. ($R^2 = 0/423$)

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، متغیرهای مهارگری هیجانی کلامی و خطاهای شناختی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین از طریق طلاق عاطفی با ضریب همبستگی ۰/۵۸۵، ضریب تعیین ۰/۴۲۳، ضریب تعیین

جدول ۳. آماره F معنی‌داری رگرسیون و ضرایب همبستگی چندگانه

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجموع مربعات	آماره F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۶۳۰۷/۵۷۰	۲	۳۰۶۵/۷۵۸	۴۹/۷۴۰	۰/۰۰۱
باقیمانده	۱۲۱۳۴/۵۸۹	۳۰۷	۶۱/۲۸۶		
کل	۱۸۴۴۲/۱۵۹	۳۰۹			

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مهارگری هیجانی کلامی با بیشترین مقدار بتا بالاترین متغیر پیش‌بین از طریق طلاق عاطفی ($\beta = 0/368$; $t = 10/870$; $p < 0/05$) است و پس از آن خطاهای شناختی ($\beta = 0/235$; $t = 8/429$; $p < 0/05$) به‌طور معنی‌داری قابلیت پیش‌بینی‌کنندگی طلاق عاطفی زوجین شهر اهواز را داشته‌اند. پس با توجه به مواردی که آورده شد، فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، مقدار F به‌دست آمده در مدل رگرسیون ۴۹/۷۴۰ حاکی از آن است که ضریب همبستگی چندگانه میان متغیرهای پیش‌بین و متغیر ملاک از لحاظ آماری معنی‌دار است و معناداری مدل تأیید شده است.

در جدول شماره ۴ ضرایب رگرسیونی مبنی بر سهم هر یک از متغیرهای پیش‌بین از طریق متغیر ملاک ارائه شده است.

جدول ۴. خلاصه ضرایب رگرسیونی

سطح معنی‌داری	آماره t	ضرایب استاندارد		مدل رگرسیون
		Beta	انحراف معیار	
۰/۰۰۱	۷/۸۷۸	-	۱/۹۴۱	عدد ثابت
۰/۰۰۱	۱۰/۸۷۰	۰/۶۹۵	۰/۰۲۴	مهارگری هیجانی کلامی
۰/۰۰۰	۸/۴۲۹	۰/۵۳۸	۰/۰۵۹	خطاهای شناختی

نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، تعیین سهم و نقش پیش‌بینی‌کنندگی مهارگری هیجانی-کلامی و خطاهای شناختی در بین زوجین شهر اهواز بود. همان‌طوری که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، ضرایب رگرسیونی مبنی بر سهم هر یک از متغیرهای پیش‌بین از طریق متغیر ملاک ارائه شده است و به این ترتیب، مهارگری هیجانی کلامی با بیشترین مقدار بتا، بالاترین متغیر پیش‌بین از طریق طلاق عاطفی ($p < 0/05$; $t = 10/870$ ؛ $\beta = 0/368$) است و پس از آن خطاهای شناختی ($p < 0/05$ ؛ $t = 8/429$ ؛ $\beta = 0/235$) به‌طور معنی‌داری قابلیت پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین شهر اهواز را داشته‌اند. نتیجه پژوهش حاضر با یافته‌های پیشین [۳۴]، [۲۰] و [۲۸] همسو بود.

اکثر اختلافات و مشکلات در زندگی زوجین، در باورها و تصورات تحریف‌شده افراد نسبت به یکدیگر ریشه دارد. وجود اعتماد و اطمینان موجب افزایش حس اعتماد و امنیت و به دنبال آن تعهد همسران نسبت به یکدیگر می‌شود، در چنین شرایطی زوجین به جای کنترل و ایجاد رفتارهای همراه با مهارگری و رعب و ترس، نسبت به یکدیگر با توجه، تعهد، جلب رضایت بیشتر و برآورده ساختن خواسته‌های همسر گام برمی‌دارند. لذا فارغ از حس سلطه‌گری نسبت به یکدیگر انعطاف‌پذیری بیشتری نشان می‌دهند، پس می‌توان شکل‌گیری روابط مؤثر و صمیمانه‌تری و کاهش طلاق عاطفی بیشتری انتظار داشت. سطح شور و اشتیاق در روابط و رضایت زناشویی با طلاق عاطفی رابطه معکوس دارد؛ به گونه‌ای که برقراری روابط دوستانه و رفاقت آمیز موجب احساس لذت و رضایت بیشتر و در نتیجه طلاق عاطفی کمتر می‌شود. تحریف‌های شناختی به‌واسطه انتظارات نادرست و غیرواقع‌بینانه در مورد خود و دیگران و عدم درک صحیح مسائل موجب دلسردی و در نتیجه طلاق عاطفی بیشتر می‌شود. خطاهای شناختی با راه‌اندازی باورهای غیرمنطقی در زوجین، تعارضات و اختلافات

زناشویی را تشدید بخشیده، بر کیفیت روابط زناشویی تأثیر منفی گذاشته [۵]، سازگاری زناشویی را کاهش می‌دهند و در نهایت طرد و دوری جستن در رابطه را بیشتر می‌کنند [۴۲]. خطاهای شناختی پاسخ‌های رفتاری و هیجانی بدکارکرد را فعال کرده، مسیر رابطه را به سوی جدایی و طلاق عاطفی هدایت می‌کند. بر اساس رویکرد شناختی، شناخت (باورها و تفکرات)، رفتار و هیجان‌های فرد با یکدیگر در ارتباط هستند. وجود خطاهای شناختی، با بروز هیجان‌های منفی (ترس، نگرانی، افسردگی، غم و...) منجر به بروز رفتارهای ناسازگارانه همسو با این خطاها می‌شود، در نتیجه فرصت برای دستیابی به روابط دوستانه همراه با آرامش در ازدواج در زوج‌ها گرفته می‌شود [۴۳]. تحریف‌های شناختی، مشکلات بین فردی را بیشتر و رضایتمندی را کاهش می‌دهند و در نتیجه روابط و مسیر ازدواج به سوی شکست و طلاق عاطفی پیش می‌رود. هرچقدر باورها و شناخت در روابط زوجین غیرمنطقی‌تر و انحرافی‌تر باشند، مهارگری بیشتر و لذا ناسازگاری و اختلافات زناشویی بیشتر می‌شود. باورهای غیرمنطقی و ناکارآمد با ایجاد خطا در پردازش مشکلات، توانایی حل مسائل زندگی را کاهش داده، هیجان‌های منفی را افزایش و زمینه ناسازگاری و دوری را فراهم می‌کنند. مهارگری زناشویی به‌طور معنی‌داری طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کند، این یافته به این نتیجه اشاره دارد که با افزایش مهارگری و رفتارهای کنترل‌گرایانه در روابط زناشویی، کیفیت روابط زوجین کاهش یافته، ناسازگاری و در نتیجه طلاق عاطفی بیشتر می‌شود [۴۱]. فرد مهارگر تلاش می‌کند تا همسر خود را از طریق مهار اقتصادی، مهار تهدیدآمیز، ترساندن، مهار هیجانی و مهار از راه منزوی کردن مهار کند، زوجین در چنین شرایطی، هیجان‌های منفی همچون ترس، ناامیدی، نگرانی و افسردگی را به جای هیجان‌های مثبتی همچون شادی، عشق، امیدواری و سرزندگی تجربه می‌کنند [۲۰] [۴۴]. این در حالی است که منشأ رفتارهای سازگارانه زناشویی سازه‌هایی از قبیل

عشق، همدلی، تعهد است که به صورت علی بر تعاملات مثبت زناشویی مؤثر هستند [۴۲]. در روابط زناشویی رضایت و ثبات زناشویی دو عنصر تعیین کننده مسیر زندگی ست. لذا پژوهش حاضر با شناسایی خطاهای شناختی و مهارگری زناشویی به عنوان متغیرهای پیش‌بین طلاق عاطفی و آشفته‌گی‌های زناشویی، حائز اهمیت است. توجه به سازه‌های تأثیرگذار بر روابط زوجین، ارائه راه‌حلی برای کاهش مؤلفه‌های منجر به ناسازگاری و تقویت عوامل مثبت در بهبود روابط زوجین به استحکام پیوند ازدواج و پایداری خانواده مؤثر است. در ارتباط با محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان بیان کرد، با توجه به اینکه پژوهش حاضر از نوع همبستگی بوده است، امکان کنترل بعضی متغیرهای تأثیرگذار بر روابط زناشویی، مانند تمایز یافتگی و دیگر ویژگی‌های وابسته به خانواده اصلی زوجین وجود نداشته است، همچنین با توجه به اینکه جامعه

پژوهش زوجین شهر اهواز بوده است لذا در تعمیم نتایج این پژوهش به سایر شهرها جانب احتیاط را باید در نظر داشت. پیشنهاد می‌شود، پژوهشگران در این زمینه تحقیقاتی در جوامع دیگر نیز انجام دهند. با توجه به یافته‌های پژوهشی می‌توان ادعان داشت که طلاق عاطفی برگرفته از گستره‌ای از عوامل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی است که پیامدهای گسترده و ناگواری را برای جامعه به دنبال خواهد داشت، لذا پیشنهاد می‌شود تا با اتخاذ برنامه‌های آموزشی مناسب و توجه به گسترش راهکارهای سازگارانه مهارگری هیجانی - کلامی و خطاهای شناختی، به کاهش سطح طلاق عاطفی، در زوجین دارای اختلاف کمک شود. همچنین با پژوهش در سایر گروه‌ها به خصوص جوانان در شرف ازدواج، در پیش‌گیری از بروز طلاق عاطفی در جامعه گام برداشت.

References

- Heydarihzadeh B, Pakdaman S, Estabragi M. The Relationship between Family Emotional Atmosphere and Academic Procrastination in Students: the Mediating Role of Cognitive Inflexibility (Experiential Avoidance). *Journal of Family Research*. 2022; 18(2): 371- 386. (Persian)
- Abd- Elmaksoud Sh. The relationship between emotional divorce, marital expectations, and self-efficacy among wives in Saudi Arabia. *Journal of Divorce & Remarriage*. 2021; 62(1): 19-40.
- Sotoudeh B, Bahari S. Family pathology. publisher, Neday Ariana.(2016); 86.
- Nasershariati M. The Effectiveness of Image Relationship Therapy on Cohesion-Family Flexibility and Happiness of Couples with Emotional Divorce. *Human Relations Studies*. 2022; 4: 22-31. (Persian)
- Ataya AR. Dogmatism and alexithymia as predictors of emotional divorce in married couples. *J Educ Al-Azhar Univ*. 2021 ;191(1):223-294
- Damo DD, Cenci CMB. Emotional divorce: Similarities and differences according to the position occupied. *Trends in Psychology*. 2022; 29: 505-518.
- Dindar A, Mahdavi M, Seyedmirzaei, S. Examining the relationship between life skills and emotional divorce. *Women and Society*. 2017; 9(4):153-174:. (Persian)
- Chau RF, Sawyer WN, Greenberg J, Mehl MR, Sbarra DA. Emotional recovery following divorce: Will the real self-compassion please stand up? *Journal of Social and Personal Relationships*. 2021; 39(4): 996-1022.
- Alkhalwaldeh M , Alqatawneh Y. Emotional Divorce and its Relationship with Psychological Stress among Married Nurses Working at Jordan University Hospital, Educational Sciences. 2022; 49(4): 35- 348.
- Khodadoost S, Ebrahimi Moghadam, H, Abul Ma'ali, K. The effectiveness of treatment based on the torque model on emotional divorce, communication beliefs and stress-anxiety-depression in couples exposed to emotional divorce. *Knowledge and research in applied psychology*. 2019; 21 (4): 52-67. (Persian)
- Amini H, Kimiaei S, Asghari Ibrahimabad, M. Creating the Iranian version of the Marital Inhibition Scale and revealing its psychometric features, counseling and family psychotherapy. 2017;8 (2): 101-111. (Persian)
- Webster M. Retrieved from domineering. Controlling: [https:// www.\(2017\);MerriamWebster.com/dictionary/domineering](https://www.merriam-webster.com/dictionary/domineering). 7.
- Gao T, Meng X, Qin Z, Zhang H, GAo J, Kong Y, et al. Association between parental marital conflict and Internet addiction: A moderated mediation analysis. *Journal of Affective Disorders*. 2018; 240: 27-32.
- Johnson M. D, Lavner J.A, Stanley S. M, Rhoades G. K. Trajectories of relationship confidence in intimate partnerships. *Journal of Family psychology*.(2020); 34(1): 24-34
- Shamsai, Z., Karimi, Kiyomarth and Akbari, M. Causal modeling of domestic violence based on marital intimacy, restraint and marital conflict. *Development of Psychology*. 2022; 8(77): 59-70. (Persian)
- Ryan K. D, Gottman J. M, Murray J. D, Carrère S, Swanson, C. Theoretical and mathematical modeling of marriage. In Lewis, M., D., & Granic, I. (Eds.), *Emotion, Development, and Self-Organization*. 2017: Cambridge, UK: Cambridge University Press. 41
- Mousavi A, Gharaei B, Ramezani Farani A, Tarmian F. Comparison of cognitive errors and ruminations in patients with obsessive compulsive disorder and social phobia. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. 2016; 23 (1): 21-36. (Persian)
- Akbari M, Ashrafi A, Rajabzadeh A. The effectiveness of teaching cognitive errors in the way of philosophy for children and adolescents on cognitive errors, health and blood sugar levels of children and adolescents with type 1 diabetes. *Iranian Journal of Diabetes and Metabolism*. 2018; 18 (4): 206-199. (Persian)
- Ellis A. *Rational Emotive Behavior Therapy: a Therapist's Guide* (2nd Edition). With Catharine Maclaren. 2019; Impact Publishers.
- Yusef Nia Pasha, Mahdi, Qara Shiroudi, Shahreh and Homayoni, Ali Reza . Structural modeling between relational beliefs and marital adjustment through the mediation of marital moderation. *Psychological methods and models*. 2021; 12(45): 79-91. (Persian)
- Shafiabadi A, Naseri Gh . *Theories of Counseling and Psychotherapy*. (2019): Publications of the Academic Publishing Center. (Persian)

22. Burns D. From the bad state to the good state, translation. 2016; Karacha Daghi, M., Asim Publishing.
23. Salimi M R. 66 Cognitive errors in decision making, Tehran.(2021); Danje Publications.
24. Amato P. R, Stacy J. R. A Longitudinal Study of Marital Problems and Subsequent of Divorce; Journal of Marriage and the Family. 2015; 59: 612-624.
25. Social Sangri N, Salimian Rizi M. The mediating role of attachment styles on the relationship between psychological divorce and quality of life of married women. Contemporary Psychology. 2011; 7: 38-44. (Persian)
26. Rashid Kh, Hassanvand F, Nabizadeh S. and Rushti, A. Investigating external factors affecting emotional divorce among women. Women and Family Studies. 2018; 1(7): 157-177. (Persian)
27. Sedaghat, M. and Afrai, R. The effectiveness of the treatment plan on reducing the emotional divorce of women with military spouses". Military Psychology Quarterly. 2022;(49)13, 147-164. (Persian)
28. Qarabaghi F, Tavakoli H . Early maladaptive schemas, irrational beliefs about the relationship, and marital instability. Cognitive Analytical Psychology. 2018; 10(36): 67-77. (Persian)
29. Pashang B, Seliminia N, Mehrani M. R, Sodagar . The effectiveness of couple therapy in the rational-emotional way in reducing the irrational beliefs of couples applying for divorce. Applied Psychology. 2013; 8(3): 56-74. (Persian)
30. Ramzanifar H, Kaldi A, Al-Gadi B. Analysis of factors affecting emotional divorce in married women of Tunkabon city. Women in Development and Politics. 2021; (2) 19: 167-191. (Persian)
31. Jahandar Lashki S, Hosseini S, Kakabraei K. Causal pattern of relationships between the tendency to commit marital infidelity based on media consumption with the mediation of dysfunctional attitudes and emotional divorce. Women and Family Educational Cultural Quarterly. 2019; 51: 71-90. (Persian)
32. Fathi A, Farshbafi Asadian S, Kolivand A, Hamzoi F . The relationship between the style of using virtual space and marital conflicts, emotional divorce and marital commitment. Police Cultural Studies (Hamadan police knowledge). 2021; (31)8: 51-41. (Persian)
33. Fariborz Z, Sarokhani B, Hazrati Soumeh Z.A. Sociological study of the relationship between addiction to virtual social networks and emotional divorce in Tehrani families. Cultural-Educational Quarterly of Women and Family. 2019; (15) 51: 117-150. (Persian)
34. Ebrahimi L , Heydari R . Prediction of emotional divorce tendency based on personality traits, metacognitive beliefs and emotional maturity of couples. Counseling Research. 2019; 19(74): 36-61. (Persian)
35. Kafashi M, Sarabadani S. Socio-economic factors affecting the emotional divorce of two groups of married women, housewives and workers in Qom city. Contemporary Sociological Research. 2013; 3(5): 153-125. (Persian)
36. Parveen S, Davoudi M, Mohammadi F. Sociological factors effective in emotional divorce among Tehrani families. Women's Strategic Studies. 2011; (56) 14: 119-153. (Persian)
37. Rasheed A, Amr A, Fahad N. Investigating the relationship between emotional divorce, marital expectations, and self-efficacy among wives in Saudi Arabia. Journal of Divorce & Remarriage. 2021; 62(1): 19-40
38. Rijavec Klobučar N, Simonič B. Risk factors for divorce in Slovenia: A qualitative study of divorced persons' experience. Journal of Family Studies. 2018; 24(3): 291-306
39. Pourhossein, R., Bidšt, F. Validity estimation of emotional divorce test. Development of Psychology. 2014; (3) 8: 28-38. (Persian)
40. Kamrani Z, Bahrami F, Gudarzi K, Farrokhi N. Preparation and Validation of Couple's Beliefs and Thoughts Scale (CBTS) Family Psychology. 2018; 6(1), 27-39. (Persian)
41. Amini H, Kimiaei A, Asghari M.(2018). Develop a measure of marital inhibition and reveal its psychometric properties. Bi-Quarterly Journal of Family Therapists. 2018; 8 (26): 47-67. (Persian)
42. Hou Y, Jiang F, Wang X. Marital commitment, communication and marital satisfaction: An analysis based on actor-partner interdependence model. 2019. International
43. Ellis A. Family therapy: A phenomenological and active directive approach. Journal of Marriage and Family Counseling. 1978;4: 43-50.
44. Deldadeh Moghadam, M, Bagheri, N). Predicting

marital conflicts of couples based on backward behaviors and interpretation of difficulties. Journal of

پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس مهارگری هیجانی-کلامی ...

Family Counseling and Enrichment Pathology. 2018; (consecutive 1 and 3), 52-40. (Persian)



Predicting Emotional Divorce Based on Emotional-verbal Controlling and Cognitive Errors of Couples

Borzoo Amirpour¹, Marzieh Mashalpourfard^{2*}, Zohreh Saki³

Abstract

Purpose: The purpose of the current research was to determine the contribution and role of predicting emotional divorce based on emotional-verbal controlling and cognitive errors in couples.

Materials and methods: Research in terms of applied goal, In terms of nature, based on the quantitative paradigm and in terms of data collection, it is descriptive-survey. The statistical population of the research included all the couples of Ahvaz city in 2022, using the multi-stage cluster sampling method, 155 couples were selected who met the criteria for entering the study. In order to collect data, Amini et al.'s marital controlling scale, Pourhossein and Bidast's emotional divorce, and Kamrani et al.'s couples' beliefs and thoughts Scale were used. The data were analyzed with the help of SPSS-21 statistical software and using Pearson's correlation coefficient and multivariate regression analysis.

Finding: The findings indicated that there was a positive and significant relationship between emotional-verbal controlling ($r=0.623$) and couples' cognitive errors ($r=0.557$) with emotional divorce. The results of the coefficient of determination showed that a proportion of the variance of emotional divorce explained by verbal- emotional controlling and cognitive errors is approximately 42%. In addition, the results obtained from the regression analysis showed that emotional-verbal controlling ($\beta = -0.268$) and couples' cognitive errors ($\beta = -0.235$) are positive and significant predictors of emotional divorce.

Conclusion: The findings of the present study showed the role of restraint in shaping incompatible relationships between couples and the place of cognitive processing style based on distortion of reality in the continuation of marital conflicts and emotional divorce. Using therapeutic methods to reduce inhibition and cognitive errors with the aim of reducing emotional divorce can enrich and improve the health of couples' relationships.

Keywords: Emotional divorce, Controlling, Cognitive errors, Couples

1. Assistant Professor, Faculty of Educational sciences and Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran

borzooamirpour@pnu.ac.ir

2*. Corresponding author. Assistant Professor, Faculty of Educational sciences and Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran

Mashalpour.m@pnu.ac.ir

3. MA of General Psychology, Faculty of Educational sciences and Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran

saki.zohreh75@gmail.com